



سند جامع اصلاح و توسعه‌ی نظام حقوقی

الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب

7 درآمد

فصل یکم: مفاهیم، شاخص‌ها، قلمرو و موضوعات

- یکم - مفهوم اصلاح، توسعه و تحول نظام حقوقی 10
دوم - شاخص‌های اصلاح، توسعه و تحول نظام حقوقی 11
سوم - قلمرو اصلاح و توسعه نظام حقوقی 12
چهارم - موضوعات بنیادین و راهبردی نظام حقوقی 13

فصل دوم: آسیب‌شناسی، توصیف و تحلیل نظام حقوقی

- یکم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی سیاست‌گذاری حقوقی 16
الف) رویکرد قانونگذاری 16
ب) رویکرد وضع مقررات 19
پ) تعامل با نظام حقوق بین‌الملل 20
دوم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی مدیریت حقوقی 22
الف) ساختار حقوقی و پیراهقوقی 22
ب) کنشگران (منابع انسانی) حقوقی و پیراهقوقی 23
پ) امکانات و زیرساخت‌های حقوقی 24
ت) سلامت اداری نظام حقوقی 25
ث) آموزش و پژوهش حقوقی 25
سوم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی پیشگیری از جرم، تخلف و آسیب‌های اجتماعی 26
الف) نهادهای پیشگیری 26
ب) تدابیر پیشگیری 26
چهارم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی رسیدگی 27
الف) دادرسی عادلانه 27
ب) اجرای آراء و تصمیم‌ها 29

فصل سوم: رویکردهای راهبردی

- یکم - بیانیه‌ی مأموریت 31
- دوم - چشم‌انداز 31
- سوم - ارزش‌های بنیادین 32
- چهارم - هدف‌های کلان 32
- پنجم - راهبردها 33

فصل چهارم: راهکارها

- یکم: راهکارهای فراگیر 36
- دوم: راهکارهای تخصصی 36
- الف) سیاست‌گذاری حقوقی 36
 - 1. قانون‌گذاری 36
 - 2. مقررات‌گذاری 39
 - 3. تعامل با نظام حقوق بین‌الملل 40
- ب) مدیریت حقوقی 41
 - 1. ساختار حقوقی و پیرا حقوقی 41
 - 2. کنشگران (منابع انسانی) حقوقی و پیرا حقوقی 42
 - 3. امکانات و زیرساخت‌های حقوقی 42
 - 4. سلامت اداری نظام حقوقی 43
 - 5. آموزش و پژوهش حقوقی 44
- پ) پیشگیری 44
 - 1. نهادهای پیشگیری 44
 - 2. تدابیر پیشگیری 45
- ت) رسیدگی حقوقی 45
 - 1. دادرسی عادلانه 45
 - 2. اجرای آراء و تصمیم‌ها 47



درآمد

ارتقای سطح هنجارگذاری و حقوق‌گرایی به منظور بالا بردن کیفیت پیش‌بینی قوانین و مقررات، پیش‌گیری از جرم‌ها، تخلف‌ها و آسیب‌های اجتماعی، رسیدگی عادلانه به اختلاف‌های حقوقی و کیفری و بهبود فرآیند اجرای قوانین و مقررات با رویکرد تقویت حاکمیت قانون از بایسته‌ها و ضرورت‌های اساسی است. دسترسی به این هدف، زمینه‌ی دسترسی شهروندان به حق‌های بنیادین و عدالت پایدار حقوقی و کارآمدی نظام حکمرانی را فراهم می‌آورد. بر همین اساس و با توجه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌های کلی نظام و سیاست‌ها و برنامه‌های دولت دوازدهم، آسیب‌شناسی، اصلاح و توسعه نظام حقوقی از جمله نیازهای اساسی کشور بوده است.

با این توضیح و در چارچوب مأموریت‌های معاونت حقوقی و بر اساس تجربیات حاصل از چهارسال مطالعات و فعالیت‌های اجرایی مدیران و کارشناسان این معاونت و نیز نظر خواهی گسرنده از جامعه علمی و حرفه‌ای کشور «سند جامع اصلاح و توسعه‌ی نظام حقوقی» به عنوان یک سند راهنما برای ارزیابی وضعیت فعلی نظام حقوقی کشور و آسیب‌های مهم آن و نیز ترسیم نقشه راه به سوی یک نظام حقوقی مطلوب یا دست کم یک نظام حقوقی توسعه‌گرا و بهبودیابنده تدوین شده است. این سند با رویکرد توسعه‌ی حقوقی، تقویت حکومت قانون، اتخاذ سیاست حقوقی مشارکتی در اداره‌ی اجتماع، پیشگیری از جرم‌ها، تخلف‌ها و آسیب‌های اجتماعی، ارتقای دادرسی عادلانه، و افزایش هم‌گرایی و همکاری در حوزه‌ی حقوق بین‌الملل تهیه و تدوین گردید. از آنجا که توسعه‌ی حقوقی در مقایسه با توسعه‌ی ملی مراحل مختلفی دارد و «رشد» و «پیشرفت» از مراحل نخستین آن به‌شمار می‌آید، انجام «اصلاحات و پیرایش» نظام حقوقی یکی از گام‌های مهم در مسیر توسعه است.

فرآیند تحلیل قوانین و مقررات موجود و انجام تغییرات در نظام حقوقی به‌منظور برقراری عدالت و کارآیی نظام حقوقی صورت می‌گیرد که مستلزم همکاری گروه‌های مختلف است. بدون انجام این تغییرات در نظام حقوقی نمی‌توان شاهد تحول بود.

در کنار بنیاد نهادن این سند بر اصول راهبردی و شاخص‌های توسعه‌ی حقوقی، آسیب‌شناسی، تحلیل و توصیف نظام حقوقی، مقدمه‌ی ضروری برای انجام اصلاحات و طراحی مسیر راه و چشم‌انداز توسعه‌ی حقوقی است که فصل دوم این سند به تحلیل آسیب‌های حقوقی موجود اختصاص یافته است. سپس راه‌کارهای راهبردی فراگیر و



تخصصی برای اصلاح و توسعه‌ی نظام حقوقی در چهار حوزه‌ی سیاست‌گذاری حقوقی، مدیریت حقوقی، پیشگیری و رسیدگی حقوقی ارائه شده است. در تدوین این سند، از نظرات کارشناسان، حقوق‌دانان و استادان برجسته‌ی کشور در حوزه‌های مختلف حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و توسعه استفاده شده و علاوه بر نشست‌هایی با متخصصان رشته‌های مرتبط و نیز گرایش‌های مختلف حقوق، با تشکیل هفت کارگروه تخصصی و برگزاری جلسات متعدد کارشناسی و مشاوره و تخصیص بیش از چهار هزار نفر ساعت وقت به صورت داوطلبانه، متن حاضر تهیه و تدوین شده است. شایسته است این سند با مشارکت دستگاه‌های اجرایی در بخش‌های مربوط به خود مبنای تدوین «اسناد و برنامه‌های راهبردی و اجرایی» متعددی در توسعه و تحول حوزه‌ها و زمینه‌های مختلف نظام حقوقی قرار گیرد.

لایحه جنیدی

معاون حقوقی رئیس‌جمهور



فصل یکم

مفاهیم، شاخص‌ها، قلمرو و

موضوعات

یکم - مفهوم اصلاح، توسعه و تحول نظام حقوقی

نظام حقوقی در مفهوم هنجاری آن، به معنای مجموعه اصول، فرایندها و رویه‌های تدوین، تفسیر، تضمین و اجرای قوانین و مقررات است که با هدف ایجاد یک سازوکار نظام‌مند، منظم و پیش‌بینی‌پذیر، به منظور اجرای عدالت، گسترش صلح، حمایت از حقوق و آزادی‌های عمومی، تنظیم نظام اجتماعی، پیشگیری از اختلاف، تخلف و جرم و رسیدگی به دعاوی و حل و فصل اختلافات به وجود می‌آید. مفهوم ساختاری آن، به معنای مجموعه‌ای از سازمان‌ها، نهادها و کنشگران است که در حوزه‌های وضع، قضاء، اجرا و تضمین قوانین، خدمات‌رسانی حقوقی به شهروندان و آموزش و پژوهش حقوقی فعالیت می‌کنند.

اصلاح نظام حقوقی به معنای آسیب‌شناسی و رفع کاستی‌ها و ضعف‌ها و حل معضلات اساسی است که مانع تحقق هدف‌های نظام حقوقی و موجب اختلال در نظم حقوقی گردیده و عدالت حقوقی و قضایی را به خطر می‌اندازد.

توسعه و تحول نظام حقوقی به مفهوم تکامل و اصلاح نظام‌مند قواعد و نهادهای حقوقی جامعه با هدف تضمین حکومت قانون، هنجارسازی حقوقی، گسترش صلح، تأمین عدالت و حفظ نظم اجتماعی و بر پایه تجربیات قانون‌گذاری گذشته، بنیان اجتماعی قوانین و مقررات و دستاوردهای بین‌المللی است.

اصلاح، توسعه و تحول نظام حقوقی، فرآیندی یکپارچه و مستمر براساس یک آسیب‌شناسی جامع و علمی است. انجام اصلاحات، تنها مقدمه و گام نخستین در توسعه نظام حقوقی به‌شمار می‌آید. به بیان دیگر، توسعه و تحول، دربرگیرنده تحولات کیفی و بنیادین در ساختارها و فرایندهای حقوقی با رویکردی بهبوددهنده، پایدار و تدریجی است و اصلاحات به معنای اقدامات شایسته در فرآیند رسیدن به توسعه و تحول نظام حقوقی است.

دوم - شاخص‌های اصلاح، توسعه و تحوّل نظام حقوقی

1. تأمین بایسته‌های برقراری عدالت اجتماعی

- تضمین برخورداری برابر و کارآی شهروندان از حق‌های بنیادین و آزادی‌های مدنی و سیاسی؛
- تضمین برخورداری برابر و کارآی شهروندان از حق‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛
- تضمین برخورداری برابر و کارآی شهروندان از حق‌های بنیادین نوپیدا، مانند حق بر محیط‌زیست پاک، سالم و زیبا، حق بر توسعه، حق بر صلح و دوستی، حق بر انرژی ایمن و پایدار، حق بر ارتباطات و اطلاعات، حق بر کمک‌های بشردوستانه و غیره؛
- حمایت اجتماعی ویژه از افراد و گروه‌های آسیب‌پذیر، تنگدستان و محرومان؛
- رفع تبعیض‌های ناروا از جمله بر پایه‌ی جنسیت، قومیت، زبان، عقیده، مذهب، ثروت و پایگاه اجتماعی؛
- حمایت از حقوق انسانی تمامی ساکنان ایران براساس معیارهای فراگیر و دارای پذیرش عام جهانی؛ و
- حمایت ویژه از اقلیت‌ها و جوامع محلی.

2. استقرار مؤلفه‌های حاکمیت قانون

- قوانین شفّاف، جامع، پایدار، پشتیبان حق‌ها و آزادی‌های همگان و تأمین‌کننده‌ی امنیت آن‌ها در همه ابعاد؛
- تأمین امنیت حقوقی و قضایی با تکیه بر عملکرد صحیح، به‌هنگام و بدون تبعیض در مراجع قضایی؛
- اجرای اصول دادرسی عادلانه و رفتار عادلانه بر پایه دادرسی توافقی، برابری سلاح‌ها، حق دسترسی آزاد به وکیل، حفظ حقوق متهم و اصل برائت، برپایی دادگاه‌های قانونی، مستقل و بی‌طرف و حفظ حق‌های بزهدیدگان؛



- برابری همگان در برابر قانون
 - اعمال نظارت کارآ، رسمی و همگانی بر اجرای قانون؛ و
 - پاسخ‌گویی نهادهای دولتی و خصوصی.
- 3- شفافیت، پویایی، روزآمدی، خردگرایی و رویکرد هماهنگ در نظام حقوقی
- 4- رویکرد مشارکتی و فرابخشی در نظام پیشگیری از تخلف، جرم و آسیب‌های اجتماعی
- 5- یکپارچگی و کوچک‌سازی نهادهای رسمی حلّ و فصل اختلافات به‌ویژه سازکار عدالت کیفری
- 6- هماهنگ سازی نظام حقوقی با ارزش‌های مذهبی، فرهنگی و اجتماعی بر پایه‌ی فقه پویا و اصل اجتهاد مستمر
- 7- بهره‌گیری از الگوها و برنامه‌های ترمیمی سازگار با مقتضیات اجتماعی در حل و فصل اختلافات و رسیدگی به دعاوی

سوم - قلمرو اصلاح و توسعه نظام حقوقی

اصلاح و توسعه‌ی نظام حقوقی ناظر به دو حوزه است: حوزه هنجاری و حوزه نهادی. حوزه هنجاری شامل قوانین و مقررات، عرف اجتماعی و ارزش‌های جاری در زیست جمعی شهروندان است. همکاری دو سویه میان دولت و شهروندان ساختار هنجاری را بنا می‌نهد. توسعه‌ی ساختار هنجاری سه رویکرد اصلی دارد:

الف) حکومت، حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان را در رأس ساختار هنجاری نظام حقوقی کشور به رسمیت می‌شناسد.

ب) قوانین و مقررات کشور، بازتاب نیازهای زندگی اجتماعی شهروندان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و غیره خواهد بود.



پ) حاکمیت و نهادهای هنجار ساز نظام حقوقی، نقشی پیشرو، پویا و تأثیرگذار در بازتولید ساختار هنجاری جامعه ایفا خواهند کرد، بدون آن که به گسست اجتماعی میان حکومت و جامعه بیانجامد.

حوزه‌ی نهادی نظام حقوقی عبارت از سازمان حقوقی و قضایی کشور و نهادهای مرتبط با نظام عدالت حقوقی، اداری، کیفری، انتظامی، صنفی و غیره است که شامل مدیریت نظام حقوقی کشور، نهادهای قانون‌گذار و مقررات‌گذار، نهادهای نظارتی، نهادهای قضایی مانند دادگاه‌های عمومی و اختصاصی دادگستری، مراجع رسیدگی شبه‌قضایی و اداری، نهاد وکالت، مدیریت یا مشارکت در نهادهای قضایی، داوری و میانجی‌گری داخلی و بین‌المللی، کارشناسان رسمی دادگستری، زندان‌ها و نیروی پلیس می‌شود. توسعه‌ی ساختار نهادی نیز دارای سه رویکرد اصلی است:

الف) ساختار نهادی در برابر حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان، تعهد به احترام، رعایت، حمایت و تضمین مؤثر دارد.

ب) ساختار نهادی در همه ابعاد و جلوه‌های آن، تبلور حاکمیت قانون و مؤلفه‌های آن و پیروی از قانون است.

پ) ساختار نهادی نظام حقوقی با توجه به تجربیات موفق و ناموفق گذشته در مسیر طرح‌ریزی یک تقسیم کار روزآمد، کارآ و بدون ابهام برای رسیدگی به امور حقوقی داخلی و بین‌المللی قرار دارد که در آن استقلال حقوقی و هماهنگی و هم‌گرایی سازمانی نهادهای مرتبط به رسمیت شناخته شده است.

چهارم - موضوعات بنیادین و راهبردی نظام حقوقی

نظام حقوقی در دو قلمرو هنجاری و نهادی، برای تحقق شاخص‌های اصلاح و توسعه، چهار حوزه‌ی راهبردی را هدف قرار می‌دهد:

1. حوزه‌ی سیاست‌گذاری حقوقی

الف) رویکرد قانون‌گذاری

ب) رویکرد مقررات‌گذاری



پ) تعامل با نظام حقوق بین‌الملل

2. حوزه‌ی مدیریت حقوقی

الف) ساختار حقوقی و پیرا حقوقی

ب) کنش‌گران (منابع انسانی) حقوقی و پیرا حقوقی

پ) امکانات و زیرساخت‌های حقوقی و قضایی

ت) سلامت اداری نظام حقوقی

ث) آموزش و پژوهش حقوقی

3. حوزه‌ی پیشگیری از تخلف، جرم و آسیب‌های اجتماعی

الف) نهادهای پیشگیری

ب) تدابیر پیشگیری

4. حوزه‌ی رسیدگی حقوقی

الف) دادرسی عادلانه

ب) اجرای آراء و تصمیم‌ها



فصل دوم

آسیب شناسی، توصیف و تحلیل

نظام حقوقی

در این فصل، آسیب‌ها و موانع توسعه حقوقی در هر یک از بخش‌های مختلف نظام حقوقی ایران بیان شده است.

یکم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی سیاست‌گذاری حقوقی

الف) رویکرد قانون‌گذاری

1. تورّم قوانین به‌دلیل تصویب قوانین پراکنده و موازی، و در برخی موارد زیاده‌روی در قانون‌گذاری آزمایشی و گاه شتاب‌زده، واکنشی و نمادین؛
2. روزآمد نبودن و ایستایی بسیاری از احکام قانونی و همگام نبودن آن‌ها با تحولات اجتماعی و علمی نویافته از جمله در حوزه‌ی حقوق کیفری، حقوق مدنی، حقوق تجارت، حقوق مالکیت فکری (معنوی)، حقوق انرژی، حقوق مصرف، حقوق رقابت، حقوق تولید، حقوق سلامت، حقوق محیط‌زیست، حقوق کار و تأمین اجتماعی، حقوق انتخابات، حقوق بورس، حقوق معدن، حقوق صنعت، حقوق علم و غیره؛
3. نارسایی در شماری از حوزه‌های قانون‌گذاری از جمله در حقوق قراردادهای تنظیم روابط قراردادی، حقوق ادله‌ی اثبات دعوا، حقوق حمایت از داده‌ها، حمایت از حیوانات (گونه‌های جانوری)، حقوق اجرای آرای کیفری و غیره؛
4. پالایش نشدن نظام حقوقی از قوانین متروک و قواعد حاصل از عرف‌های زایل شده؛
5. فاصله‌ی محسوس پاره‌ای از قوانین از عرف جامعه به‌عنوان مبنای شناسایی حقوق؛

6. فاصله‌ی برخی قوانین و مقررات با معیارهای بین‌المللی و عدم توجه کافی به اسناد بین‌المللی و معیارهای جهانی پذیرفته شده؛
7. تعدّد مراجع قانون‌گذاری در کشور با رویکردهای ناهماهنگ، اعتبار دادن به جایگاه مصوّبات شوراهای عالی کشور هم‌تراز با مجلس شورای اسلامی، موارد قانون‌گذاری مستقل از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام و تأثیر آن بر تعارض در نظام تقنینی و عدم هماهنگی در اتخاذ سیاست حقوقی واحد؛
8. عدم توجه کافی به نظرات کارشناسی دانشگاه‌ها و دیگر مراکز پژوهشی و مشارکت ندادن حقوق‌دانان، کارشناسان و متخصصان امر در نگارش طرح‌ها و لوایح و تصویب قوانین و مقررات؛
9. فاصله‌گرفتن طرح‌ها و لوایحی که با نظرات کارشناسی تدوین شده‌اند از خاستگاه اصلی و رویکرد نخستین آن‌ها در فرآیند قانون‌گذاری از جمله در روند قانون‌گذاری مجلس، بروز اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان یا ارجاع موضوع به مجمع تشخیص مصلحت نظام؛
10. فقدان سازکار نهادین برای مشارکت شهروندان، سازمان‌های مردمی و غیردولتی، احزاب، رسانه‌های گروهی، گروه‌های مخاطب و ذی‌نفع در تدوین قوانین و مقررات و عدم توجه کافی به نظرها و انتظارات آنان؛
11. افزایش استثناگرایی در قانون‌گذاری، به‌ویژه مستثنی شدن پاره‌ای از نهادها، مراجع و مقامات در هنگام تصویب قانون با پیامد خنثی‌شدن و ضعف قانون؛
12. تصویب قوانین و مقررات مغایر با قانون اساسی و اصول مسلم حقوقی؛
13. تبعیض ناروا و عدم برقراری عدالت و برابری در قانون‌گذاری در حوزه‌های حقوق خصوصی و عمومی، از جمله در زمینه‌ی حقوق خانواده، احوال شخصیه، حقوق کار، حقوق تأمین اجتماعی، حقوق اداری (استخدام)، حقوق بیماران و غیره؛
14. ابهام، اجمال و عدم شفافیت در مفهوم برخی آزادی‌ها، از جمله آزادی بیان، آزادی اطلاعات، آزادی مذهب، آزادی اجتماعات، آزادی تظاهرات و آزادی تشکّل در قانون اساسی و قوانین عادی؛



15. تضعیف جایگاه حقوق شهروندی با تبلیغ رویکرد صرفاً تکلیف‌مدار نسبت به شهروندان و غفلت از حق‌مدار بودن آن؛
16. عدم آگاهی عموم شهروندان از حقوق شهروندی به‌ویژه در زمینه حق‌ها و آزادی‌های ملت؛
17. پیش‌بینی‌نشدن سازوکارهای قانونی کارآمد و اثربخش در جهت حمایت از افسار آسیب‌پذیر و قربانیان خشونت، به‌ویژه زنان و کودکان؛
18. رعایت‌نشدن اصول شکلی و ماهوی قانون‌گذاری و وضع مقررات مانند تغییر عبارات مصوب
19. تغییر کلی رویکرد و منحرف کردن هدف لوايح تقدیمی دولت در مراحل بعدی فرایند قانون‌گذاری؛
20. تصویب قوانین بدون پشتوانه‌ی فنی، مالی و اجرایی و عدم رعایت دقیق اصل 75 قانون اساسی؛
21. پر شماری قوانین آزمایشی و تمديد چند باره و دائمی شدن آن‌ها بدون بررسی دقیق و رعایت تشریفات قانونی؛
22. قاعده‌گذاری حقوقی بدون رعایت ترتیبات تصویب قانون یا لغو احکام قانونی؛
23. نادیده گرفتن تفکیک مرزهای تقنین و اجرا و مشخص نبودن مفهوم عمل اجرایی و تقنینی؛
24. فقدان قطعیت حقوقی: عدم صراحت قوانین، خلاء قوانین، تعدد قوانین، تغییرات مکرر و با فاصله زمانی اندک در قوانین؛
25. رویکرد صورت‌گرایانه، قشری‌نگر و لفظ‌گرا و فقدان نگاه میان‌رشته‌ای در قانون‌گذاری؛
26. تصویب قوانین غیرکارشناسانه بر اساس طرح‌های شتابزده؛
27. عدم توجه به اصول، ضوابط و معیارهای جرم‌انگاری
28. فقدان رویکرد نظارتی قوی و بازدارنده نبودن مجازات‌ها در جرایم فنی و تخصصی، از جمله جرایم محیط‌زیستی، اقتصادی، بورسی، بانکی، بیمه‌ای، تروریستی و سازمان‌یافته؛



29. وجود ناهماهنگی و سرگردانی میان قوانین مرتبط با منابع طبیعی، محیط زیست، حقوق حیوانات، انرژی و تغییر اقلیمی؛
30. وجود خلاءهای قانونی در حوزه‌ی حقوق سایبری (فضای مجازی)، حمایت از داده‌ها، بزه‌کاری سایبری، حقوق تجارت الکترونیک، ادله‌ی دیجیتال، اینترنت اشیا، حمایت از بزه‌دیدگان جرایم سایبری و غیره؛
31. نبود یا کمبود قوانین مناسب و کارآمد در زمینه‌ی کاربرد برنامه‌های عدالت ترمیمی و عدالت در رسیدگی به دعاوی مدنی، اداری، کیفری، انتظامی، صنفی و غیره؛
32. ضعف قانون‌گذاری در زمینه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان و ایجاد نهادها و سازوکارهای حمایتی مناسب و اثربخش؛
33. ضعف قانون‌گذاری در زمینه‌ی حمایت از حقوق توان‌خواهان و نبود زیرساخت‌ها و بسترهای مناسب جهت حضور و کنش‌گری فعال این قشر آسیب‌پذیر در عرصه‌های گوناگون اجتماعی؛
34. نبود نظام جامع تدوین و تنقیح قوانین؛
35. عدم تصویب قوانین ویژه‌ی قانون‌نگاری، اصول تفسیر قانون، اصول حل تعارض قوانین و غیره.

ب) رویکرد وضع مقررات

1. خروج مراجع مقررات‌گذار از اصل و حدود صلاحیت و قانون‌گذاری در مصوبات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و سندهای ملی؛
2. عدم‌استفاده‌ی مطلوب و بهینه از ظرفیت صلاحیت اساسی دولت در وضع مقررات؛
3. تصویب مقررات مغایر با قانون و محدودکننده‌ی حق‌ها و آزادی‌های مشروع شهروندان و تحمیل هزینه بر شهروندان و بودجه‌ی عمومی کشور و دیوان عدالت اداری؛
4. تغییرات مکرر در بخشنامه‌های اداری؛
5. عدم اقدام به‌هنگام از سوی دستگاه‌های مسئول برای تدوین و تصویب آیین‌نامه‌های اجرایی پس از تصویب قوانین؛



6. فقدان سازوکار و رویکرد نظارتی نیرومند در اجرای مقررات؛
7. عدم رعایت اصول شکلی و ماهوی در تدوین مقررات؛
8. چارچوب‌های فراتر از قانون اساسی در وضع مقررات از سوی قوه قضائیه و نبود سازوکار قانونی لازم برای ابطال مصوبات غیرقانونی آن؛ و
9. نبود نظام و اصول رتبه‌بندی و سلسله‌مراتب هنجاری دقیق و مناسب در حوزه‌ی وضع مقررات (آیین‌نامه، بخشنامه، تصویب‌نامه، مصوبه و شیوه‌نامه).

ب) تعامل با نظام حقوق بین‌الملل

1. عدم تصویب، تفسیر و اجرای مناسب و به‌هنگام قوانین و مقررات ملی به‌منظور رعایت تعهدات ناشی از معاهدات بین‌المللی؛
2. عدم مشارکت مؤثر در شکل‌گیری، توسعه و اجرای نظام حقوقی بین‌المللی و برنامه‌ریزی در پیشگیری از شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی مغایر با منافع ملی ایران؛
3. عدم تعامل مؤثر و دوسویه مناسب با سازمان‌های بین‌المللی با وجود عضویت در این سازمان‌ها و پرداخت هزینه‌های مربوط به حق عضویت؛
4. وجود برداشت‌های مختلف و متنوع فقهی قابل اعمال یا استناد در حوزه‌ی پذیرش و اجرای تعهدات بین‌المللی؛
5. عدم استفاده از فرصت‌ها برای تصدیق مناصب بین‌المللی نزد سازمان‌های بین‌المللی و عدم توجه کافی به ظرفیت‌های حضور کارشناسان ایرانی در این سازمان‌ها و ناچیز بودن سهم ایران در تصدیق این مناصب؛
6. نبود ترتیبات منظم، منسجم، متمرکز و قانون‌مند برای مستندسازی امور حقوقی، قراردادی و اجرایی بین‌المللی؛
7. نبود راهبرد و رویکرد مشخص در پیوستن به معاهدات بین‌المللی و حق شرط‌ها در برخی پیمان‌ها و رویکرد کاستن از تعهدات هنجاری کشور و ملاحظات مربوط به هزینه و فایده و مصالح ملی؛



8. عدم توجه جامع به منابع تعهدات الزام‌آور در حقوق بین‌الملل مانند عرف، فصل هفتم و ماده‌ی 103 منشور ملل متحد و مصوبات سازمان‌های بین‌المللی و فعال نبودن ایران در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی عرفی؛
9. عدم وقوف به روند شکل‌گیری عرف‌های جدید اما پذیرفته شده‌ی جهانی در حوزه‌ی تجارت بین‌المللی و رویکرد تقابلی و جا ماندن از تحولات نرم افزاری ولی بنیادین جهان به‌ویژه در حوزه تجارت و کسب و کار؛
10. تاثیر گذاری گسترده اما غیر تعاملی در امور حقوقی بین‌المللی؛
11. عدم التفات به ملاحظات زمانی و مکانی و عدم اجتهاد مستمر به عنوان منشأ انعطاف‌ناپذیری قواعد کیفری با ریشه‌ی فقهی در برخورد با قواعد حقوقی بین‌المللی؛
12. فقدان سیاست روشن در قبال معاهدات حقوق بشری و استفاده‌ی ناهماهنگ ولی گسترده از حق شرط برای تضییق دامنه‌ی شمول این معاهدات؛
13. عدم‌دانش کافی و اهتمام شایسته در واحدهای حقوقی و امور بین‌الملل دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی و شرکت‌ها نسبت به موازین حقوق بین‌الملل عمومی، خصوصی، تجارت بین‌الملل و به ویژه تحولات حقوق بین‌الملل؛
14. عدم استفاده‌ی بهینه از روش‌های حقوقی و غیرحقوقی حل و فصل اختلافات بین‌المللی؛
15. کاستی در حمایت، حضور و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد ایران در عرصه‌ی بین‌المللی و نادیده گرفتن نقش آنان در شکل‌دهی اراده‌ی دولت‌ها به‌ویژه در زمینه‌ی رفتارهای بین‌المللی؛
16. استفاده اندک از ظرفیت علمی حقوقی همه حقوق‌دانان ایرانی در نهادهای قضایی، شبه‌قضایی و داوری بین‌المللی؛
17. عدم تسلط کافی حقوق‌دانان داخلی به زبان‌های رسمی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی؛
18. نبود مشارکت مؤثر در نهادهای پلیسی و کیفری و مشارکت محدود در سیاست‌گذاری حقوقی بین‌المللی؛



19. عدم تصویب قوانین همکاری‌های قضایی متقابل (استرداد مجرمان، انتقال محکومان، تبادل مجرمان، معاضدت قضایی، جلب فراملی، توقیف، انجماد و استرداد اموال و دارایی‌ها و غیره) با بخش قابل توجهی از کشورهای جهان؛
20. شناسایی کم‌شمار آراء و تصمیمات دادگاه‌ها و دیوان‌های خارجی و بین‌المللی و ایجاد اخلال در روند توسعه همکاری‌های حقوقی و قضایی فراملی؛ و
21. ضعف و نارسایی جدی در منطقه‌گرایی حقوقی و عدم ایجاد نهادها و سازکارهای حقوقی منطقه‌ای مناسب به منظور مدیریت و حل و فصل مسائل حقوقی.

دوم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی مدیریت حقوقی

الف) ساختار حقوقی و پیرا حقوقی

1. اشکالات وارده بر ترکیب و آیین انتخاب، و امکان تجدید انتخاب نامحدود اعضای شورای نگهبان و مستدل و مستند نبودن پاره‌ای از نظرات این شورا؛
2. کاهش کارایی نهاد تقنین (مجلس شورای اسلامی) به دلیل عوامل درونی مانند نحوه تعیین و انتخاب نمایندگان، روشن نبودن حدود دقیق صلاحیت نهاد و ورود در اجرا و قضا و قانون‌گذاری بی‌رویه و غیراصولی و عوامل بیرونی به‌ویژه وجود نهاد های موازی
3. عدم پیش‌بینی سازکار قابل اتکا برای اطمینان بخشی از عملکرد قوه قضائیه در چارچوب صلاحیت‌های مقرر در قانون اساسی به‌ویژه در دادرسی عادلانه و رعایت حق‌ها و آزادی‌های اساسی فردی برابر ملت و مجلس شورای اسلامی؛
4. کم‌اثر شدن ساختار شورایی در هدایت امور قضایی
5. حضور جدی قوه قضائیه در امور اجرایی از راه اتخاذ تفسیر موسع از مفهوم لایحه قضایی و مدیریت سازمان‌های بیشتر اجرایی مانند سازمان ثبت اسناد و املاک، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، سازمان پزشکی قانونی، روزنامه‌ی رسمی؛



6. عدم انسجام، هماهنگی و هم‌سویی در سیاست جنایی در چهار بخش تقنینی، قضایی، اجرایی و غیردولتی (مشارکتی)، و فقدان نقشه‌ی راه در سیاست جنایی کشور؛
7. نارسایی‌های مدیریت کلان اجرایی و روی آوردن به تمرکزگرایی و تضعیف شوراهای محلی؛
8. عدم توجه به اقتصاد عدالت کیفری (اقتصاد کیفری) و هزینه‌های سنگین آن؛
9. عدم هماهنگی و همکاری میان دستگاه‌های اجرایی در انجام مأموریت‌های مشترک؛
10. وجود نهاد‌های موازی در وظایف قانونی قوه‌ی مجریه در همه حوزه‌های سیاسی و اقتصادی و امنیتی و حتی خدمات رفاهی، مانند کمیته‌ی امداد امام خمینی (ره)، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مستضعفان در کنار سازمان بهزیستی؛ و
11. چالش‌های ساختاری، نظارتی و ترافی نهاد‌های صنفی و حرفه‌ای.

ب) کنش‌گران (منابع انسانی) حقوقی و پیرا حقوقی

1. کاهش استقلال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و عدم‌ترسیم معیار تمییز بین جرایم عمومی و وظایف حرفه‌ای و به تبع، عدم رعایت مصونیت پارلمانی آنان؛
2. وجود تبعیض عملی درباره‌ی استخدام اقلیت‌های مذهبی در دستگاه‌های اجرایی با وجود اصل برابری همه‌ی افراد ملت از حقوق یکسان و پیش‌بینی ظرفیت‌های برابر و مناسب در قوانین؛
3. ضابطه‌مند نبودن به‌کارگیری اشخاص در مشاغل، موقعیت‌ها و فرصت‌های حقوقی و نبود زمینه‌های مناسب به‌منظور بهره‌مندی حداکثری از سرمایه‌های انسانی کشور؛
4. وجود محدودیت‌ها مانند فرایند گرفتن مجوز در باره‌ی تشکیل و فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد و احزاب و عدم‌پیش‌بینی دقیق حقوق و امتیازات خاص این نهاد‌های مدنی؛



5. غیر تخصصی بودن تشکیلات و اقدامات اجرایی ضابطان دادگستری؛
6. عدم پیش‌بینی نهاد پلیس قضایی در نظام عدالت کیفری ایران؛
7. غیر تخصصی بودن وکالت در دعاوی و فقدان درجه و رتبه‌بندی میان وکلاء؛
8. ایجاد نظام وکالت دوگانه و تضعیف استقلال کانون وکلای دادگستری؛
9. نبود کسب مهارت‌های لازم در دوران کارآموزی (وکلاء، قضات و سردفتران) و فقر آموزش‌های تخصصی و کاربردی ضمن فعالیت حرفه‌ای؛
10. کاستی‌ها در به‌کارگیری موازین اخلاق حرفه‌ای توسط کارکنان قضایی و دستگاه‌های اجرایی و ضابطان دادگستری؛ و
11. ضعف رویکرد حقوق عمومی و تأمین حقوق شهروندان و منافع عمومی در دیوان عدالت اداری.

پ) امکانات و زیرساخت‌های حقوقی

1. تمرکز مراجع قضایی دادرسی اداری در پایتخت کشور؛
2. عدم تشکیل کانون‌های اصلاح و تربیت در سراسر کشور؛
3. عدم فضای کافی در زندان‌های کنونی و نقض حقوق زندانیان؛
4. فقدان بیمه‌ی وکالت هم‌گانی، عدم تثبیت وکیل خانواده. فقدان بیمه هزینه‌های خدمات حقوقی؛
5. عدم بیمه مسئولیت مدنی وکلاء؛
6. عدم برخورداری بخش قابل توجهی از مردم از تأمین اجتماعی مؤثر و نقض یا عدم تأمین مؤثر حق شهروندان بر سلامت و خدمات درمانی، و نقض اصل بیست و نهم قانون اساسی؛
7. عدم شفافیت، عدم نظارت و پاسخ‌گویی در قراردادهای پیمانکاری دولتی و عمومی، و نقض مقررات استخدامی به‌طور مکرر توسط پیمانکاران؛
8. ضعف حاکمیت قانون در نظام اجرایی و نظارتی مربوط، با وجود شفافیت و روشنی قوانین و مقررات؛



9. مشکلات نهادی، بودجه‌ای و چندپارچه‌بودن نظام حفاظت و بهره‌برداری از محیط‌زیست؛
10. فقدان نظام جامع اطلاع‌رسانی فراگیر و مؤثر قوانین و مقررات؛ و
11. تهدید یا دست کم عدم اتخاذ تمهیدات لازم برای استقلال کانون‌های وکلا و وکلای دادگستری

ت) سلامت اداری نظام حقوقی

1. امکان فعالیت گسترده و تبعیض‌آمیز برای بسیاری از بازنشستگان و افراد دارای سابقه‌ی فعالیت حقوقی در ادارات و سازمان‌ها برای ورود به شغل وکالت بدون داشتن صلاحیت‌های لازم و شرکت در رقابت با بقیه‌ی متقاضیان؛
2. پیش‌بینی شرایط قانونی نابرابر و گاه رویه‌های جاری نابرابر و بدون ضابطه در اعطای مجوزها به‌ویژه مجوزهای دفاتر خدمات؛
3. وجود فساد یا دست کم عدم سلامت اداری و عدم پایبندی به قانون در نهادهای دولتی و عمومی؛
4. روزآمد نبودن نظام ثبت اسناد و املاک و رواج استفاده از اسناد عادی؛
5. مشکلات ساختاری در نظام اداری مراجع قضایی؛
6. ضرورت اخذ مجوزهای گوناگون برای شروع یا ادامه فعالیت‌ها؛
7. نامتناسب بودن درآمد فعالان در بخش خدمات حقوقی دولتی و خصوصی.

ث) آموزش و پژوهش حقوقی

1. ضعف و ناکارآمدی نظام آموزشی رشته‌ی حقوق به‌دلیل عدم پویایی و همگام نبودن با دستاوردهای علمی نویافته و نیازهای روز؛
2. عدم ارتباط مؤثر علمی و آموزشی میان دانشگاه‌های ایران و مراکز علمی معتبر رشته‌ی حقوق در جهان؛
3. رویه‌ی ناسالم و بدون ضابطه در نگارش محتوای علمی؛



4. گسترش سرقت علمی، پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی و تأثیر منفی آن بر سلامت و کیفیت محتوای علمی دانش حقوق؛
5. ضعف آموزه‌ها و نظریه‌پردازی و پویایی و تحلیل عمیق به‌عنوان یکی از عوامل سازنده‌ی حقوق؛
6. ضعف آموزش در زمینه آموزه‌های مبنایی حقوقی مانند فلسفه حقوق، تاریخ و جامعه‌شناسی حقوق؛
7. سهم اندک ایران در تولیدات پرشمار حقوقی بین‌المللی و شکل‌دهی به آموزه‌های حقوقی در شاخه‌های مختلف دانش حقوق.
8. ضعف در آموزش حقوقی به شهروندان؛

سوم — آسیب‌شناسی حوزه‌ی پیشگیری از جرم، تخلف و آسیب‌های اجتماعی

الف) نهادهای پیشگیری

1. واگذاری مسؤولیت پیشگیری از جرم به قوه‌ی قضاییه بدون توجه کافی به جنبه‌های اجرایی موضوع و فقدان صلاحیت و ساختار برای اقدام مستقل در حوزه‌ی پیشگیری‌های کنشی؛
2. نبود سازمان و سازکار مناسب برای پیشگیری از تخلف، جرم و آسیب‌های اجتماعی و کاهش آن به شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم؛
3. ضعف سیاست جنایی مشارکتی و فرابخشی در عرصه‌ی پیشگیری از جرم؛

ب) تدابیر پیشگیری

1. اولویت ندادن به پیشگیری‌های اجتماعی و اقدام‌های مؤثر در سطوح یک و دو پیشگیری (عموم شهروندان و گروه‌های در معرض آسیب)
2. دانش‌بنیان نبودن سیاست‌های پیشگیری و عملکرد سلیقه‌ای بدون رویکرد علمی به گروه‌های هدف و آموزش‌ها و خدمات مورد نیاز آن‌ها؛



3. عدم‌توجه جدی به رویکرد بازپروری و اصلاح متخلفان و مجرمان؛
4. همکاری نکردن با سازمان‌های مسئول در مورد پیشگیری از تخلف، جرم و آسیب‌های اجتماعی؛
5. تأثیر منفی و بدیهی شرایط اقتصادی، فساد اداری و مالی، بی‌اعتمادی شهروندان و ضعف‌های نظام عدالت حقوقی و کیفری بر نتایج اقدامات پیشگیرانه؛ و
6. عدم‌توجه به مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی عدالت کیفری و پیشگیری و حمایت از بزه‌دیدگان.

چهارم - آسیب‌شناسی حوزه‌ی رسیدگی

الف) دادرسی عادلانه

1. عدم‌پویایی، ناکارآمدی و عدم تأثیرگذاری جدی رویه‌ی قضایی و ناهمسویی آن، کم‌دقتی در انشاء آراء، مداخله‌ی معیارهای غیرحقوقی و غیرقضایی در تفسیر قانون و ایجاد رویه نامناسب و کم‌توجهی دادگاه‌ها به موضوع و مصادیق واقعی اختلاف و نهایتاً عدم قطع ماده نزاع و حل اساسی اختلافات توسط محاکم بر پایه‌ی منطق و اصول تفسیر؛
2. تشتت در رویه‌ی قضایی در مفهوم عام آن؛
3. افزایش بی‌رویه پرونده‌های قضایی و ایجاد گسست‌های اجتماعی ناشی از آن؛
4. فقدان زمینه و بستر مناسب در جهت عدالت ترمیمی، توسعه‌ی صلح و سازش و روش‌های مسالمت‌آمیز در دادرسی مانند میانجی‌گری و داوری؛
5. محدودیت استفاده از روش‌های غیرقضایی در حل اختلاف و تمرکز بر رسیدگی‌های قضایی و تأثیر آن بر کثرت پرونده‌ها و اطاله‌ی دادرسی؛
6. عدم‌رعایت مقررات قانونی در رسیدگی‌های کیفری و استفاده‌ی ابزاری و ناهمگون از مقررات؛



7. محرومیت از احقاق حقّ به دلیل اطالهی دادرسی، تشریفات بی‌هوده رسیدگی و تعرفه‌ی بالای هزینه‌های دادرسی و اجرای احکام؛
8. ایجاد مراجع قضایی خاصّ و استثنایی برای گروه یا صنف ویژه‌ای از جامعه بدون وضع قانون؛
9. غیرتخصّصی بودن مراجع قضایی و قضات آن‌ها؛
10. عدم امکان حمایت مناسب از محجوران و حقوق آنان در فرآیند دادرسی؛
11. فراهم نبودن مقدّمات تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای متّهمان و کم‌توجهی مراجع قضایی به ویژگی‌های شخصیتی متّهمان؛
12. نبود رویکرد صحیح در امر تحویل دلیل توّسط مراجع قضایی و ضابطان دادگستری؛
13. توسعه‌ی موجبات نقض احکام قطعی از راه‌های خاص؛
14. به‌کارگیری ادّله‌ی به دست آمده از شیوه‌های غیرقانونی؛
15. عدم پیش‌بینی راهکارهای غیرقضایی برای حلّ و فصل اختلافات اداری؛
16. فقدان قانون فراگیر آیین دادرسی اداری و تأثیر آن بر پرشماری رویه‌ها در مراجع شبه‌قضایی؛
17. ضعف استقلال، حاکمیت قانون و دادرسی عادلانه در مراجع شبه‌قضایی؛
18. طرح دعاوی نابه‌جا و نادرست به دلیل عدم استفاده از وکیل دادگستری؛
19. عدم شمول صلاحیت نظارت قضایی دیوان عدالت اداری بر تصمیمات و مصوبات بسیاری از نهادهای حاکمیت؛
20. عدم شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری نسبت به دعاوی مربوط به قراردادهای عمومی و شکایات مراجع دولتی از آرای هیئت‌ها و کمیسیون‌های اداری؛

1. شکایات مراجع دولتی از آرای هیأت‌ها و کمیسیون‌های اداری طبق رأی وحدت رویه‌ی شماره‌ی 699 مورّخ 1386/3/22 دیوان عالی کشور، به دادگاه‌های عمومی دادگستری ارجاع می‌شود، در حالی که در غالب موارد، دادگاه‌های عمومی قائل به عدم صلاحیت نقض و ابطال برای خود هستند. این رویکرد در عمل، دوگانگی در رویه‌ی قضایی را به دنبال دارد.



21. کاهش استقلال قضات، عدم رعایت کافی مصونیت حرفه‌ای آن‌ها و حمایت از تصمیم‌های آن‌ها؛

22. عدم انتشار و دسترسی به آرای مراجع قضایی و شبه قضایی برای پایش آن از سوی مردم و مراجع نظارتی.

ب) اجرای آراء و تصمیم‌ها

1. تراکم شدید پرونده‌های اجرای احکام در دادگاه‌های حقوقی و کیفری و وجود رویه‌های بی‌هوده در این مرحله؛

2. اجرا نکردن آراء دیوان عدالت اداری توسط برخی دستگاه‌های اجرایی و حکومتی و اعتراض‌های مکرر و بی‌نتیجه نسبت به آرای شعب بدوی و تکرار اقدامات نقض شده در دیوان نسبت به دیگر شهروندان که همگی موجب تحمیل هزینه بر شهروندان و بودجه‌ی عمومی کشور می‌شود؛

3. مشکلات بنیادین در فرایند شناسایی، پذیرش و اجرای احکام صادر شده از مراجع قضایی خارجی؛ و به تبع

4. نقض اصل منع محاکمه‌ی مجدد و مجازات مضاعف در برخی از پرونده‌ها.



فصل سوم

رویکردهای راهبردی

یکم - بیانیه‌ی مأموریت

مأموریت نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران ر سیدن به صلح، عدالت، قانون‌مداری، برقراری نظم و تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین از رهگذر «سیاست‌گذاری حقوقی»، «مدیریت حقوقی»، «پیشگیری از تخلف و جرم» و «دادرسی عادلانه» است. اصلاح، توسعه و تحول‌آفرینی در هر یک از محورهای چهارگانه‌ی نظام حقوقی، دستیابی به هدف‌های بنیادین یاد شده را تسهیل نموده و سرعت می‌بخشد.

دوم - چشم‌انداز

نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران با اتکال به ذات هستی‌بخش الهی و مبنا قرار دادن خدامحوری و آموزه‌های اخلاقی و اسلامی، سامانه‌ای است انسان‌مدار، کرامت‌مدار، صلح‌محور، شفاف، مشارکت‌پذیر، پیشگیرنده، پویا، عدالت‌بنیان و با انصاف و مبتنی بر اصول توسعه‌ی پایدار.

در افق این چشم‌انداز، نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران دارای ویژگی‌های زیر خواهد بود:

- انسان‌مدار و کرامت‌مدار در سیاست‌گذاری حقوقی و قانون‌گذاری، رسیدگی و حل و فصل عادلانه‌ی اختلاف‌ها؛
- صلح‌محور و ترمیم‌مدار در سیاست‌گذاری حقوقی، قانون‌گذاری و رسیدگی به دعاوی مدنی، کیفری، اداری، انتظامی، صنفی و غیره؛
- رعایت و تضمین حقوق شهروندان در تمام زمینه‌های سیاست‌گذاری حقوقی، قضایی و اجرایی؛
- شفاف و مشارکت‌پذیر در اداره‌ی امور جامعه و سیاست‌گذاری حقوقی؛

- عدالت‌بنیان و با انصاف در سیاست‌گذاری‌های حقوقی، مدیریت حقوقی و تأمین و تضمین دادرسی بی‌طرفانه و عادلانه؛
- پویا در سیاست‌گذاری حقوقی و انطباق قوانین و مقررات با ارزش‌ها، نیازها و مقتضیات اجتماعی؛
- پیشگیرنده از تخلف‌ها، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی بر پایه‌ی الگوها و برنامه‌های پیشگیری کرامت‌محور، عدالت‌مدار و دانش‌بنیان؛ و
- التزام به اصول توسعه‌ی پایدار در تمامی زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن.

سوم - ارزش‌های بنیادین

- اخلاق و کرامت‌مداری نظام حقوقی؛
- صلح، دوستی و محوریت عدالت‌ترمیمی؛
- برابری؛ دادگری و انصاف و تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان؛
- حقوق همبستگی و جمعی و توسعه‌ی پایدار؛
- شفافیت، پاسخگویی، پویایی، روزآمدی و کارآمدی؛
- رسیدگی عادلانه به دعاوی و اختلافات حقوقی؛
- پیشگیری عادلانه از تخلف‌ها، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛ و
- همگرایی حقوقی و پایبندی به هنجارها و تعهدات بین‌المللی با رعایت منافع ملی.

چهارم - هدف‌های کلان

- تقویت حقوق‌گرایی در نظام حقوقی؛
- توسعه‌ی فرهنگ صلح، مدارا و عدالت‌ترمیمی در جامعه و نظام حقوقی؛
- توسعه‌ی انسانی و پایدار مبتنی بر نظام حقوقی کرامت‌مدار؛



- افزایش سرمایه‌ی اجتماعی و اعتماد عمومی نسبت به نظام حقوقی؛
- افزایش میزان کارآمدی و کارایی مدیریت حقوقی؛
- بهبود وضعیت فرآیند رسیدگی و تصمیم‌سازی عادلانه و قانون مدار؛
- کاهش نرخ ارتکاب تخلف‌ها، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛ و
- پایبندی به هنجارها و تعهدات بین‌المللی و تقویت کنشگری حقوقی جمهوری اسلامی ایران در توسعه و تدوین نظام حقوق بین‌الملل.

پنجم - راهبردها

- توسعه و تحوّل حقوقی به‌عنوان بخشی از توسعه‌ی ملی؛
- توسعه‌ی برنامه‌های عدالت ترمیمی در مراجع قضایی مدنی، کیفری، اداری، انتظامی و صنفی؛
- ترویج و تضمین حق‌ها و آزادی‌های بنیادین افراد و حقوق شهروندی؛
- حاکمیت قانون در تمامی امور زمام‌داری و مدیریت جامعه؛
- اتخاذ سیاست مشارکتی و همکاری در اداره‌ی امور جامعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- پایش و توجه به شرایط و اقتضائات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور؛
- ایجاد همکاری و هم‌گرایی با هنجارها، تعهدات و ارزش‌های حقوقی بین‌المللی؛
- بهبود دادرسی عادلانه در مراجع قضایی مدنی، کیفری، اداری، انتظامی و صنفی بر پایه‌ی حاکمیت قانون و متناسب با هنجارهای روزآمد و کرامت‌مدار؛
- توسعه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیری اجتماعی و وضعی از جرم‌ها، تخلف‌ها، جرم‌ها و آسیب‌های اجتماعی؛
- نهادینه‌سازی اصول و موازین توسعه‌ی پایدار در تمامی حوزه‌های سیاست‌گذاری؛



- حمایت حقوقی، ارتقای شأن و جایگاه اجتماعی و افزایش نقش زنان در مدیریت امور اجتماعی؛
- حفاظت از حقوق نسل‌های آینده، محیط‌زیست و منابع طبیعی و میراث فرهنگی؛ و
- توسعه‌ی نظام حقوقی هوشمند و الگوهای دادرسی‌های هوشمند.



فصل چہارم

راہکارها

یکم - راهکارهای فراگیر

1. ایجاد مرکز ملی توسعه و تحول حقوقی

برای سیاست‌گذاری و پاسخ‌گویی به مسائل و نیازهای ناشی از تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و غیره و نیز تدوین، پایش و ارزیابی برنامه‌های توسعه‌ی حقوقی کشور و شناخت عناصر مهم سند توسعه‌ی نظام حقوقی کشور.

2. ایجاد فرهنگستان حقوق:

برای توسعه فرهنگ و دانش حقوقی.

3. ایجاد موزه ملی حقوق:

برای شناسایی، نگهداشت و گردآوری و ترویج میراث حقوقی کشور.

دوم - راهکارهای تخصصی

الف) سیاست‌گذاری حقوقی

1. قانون‌گذاری

1. یکپارچه‌سازی قوانین پراکنده و موازی؛

2. قانون‌گذاری بر مبنای ضرورت و پرهیز از تصویب قوانین مقطعی و شتاب‌زده؛

3. روزآمدی قانون‌گذاری و رفع نارسایی و خلأها همگام با پیشرفت‌های علمی نوین، با اولویت قوانین در حال تصویب؛
4. تورم‌زدایی از قوانین و شناسایی و پالایش نظام حقوقی از قوانین متروک و زاید و قواعد برخاسته از عرف‌های زوال‌یافته با رویکرد نسخ صریح آن‌ها؛
5. هماهنگی قوانین با عرف‌ها و ارزش‌های اجتماعی؛
6. هماهنگی با مقررات معاهدات بین‌المللی و معیارهای جهانی با لحاظ بایسته‌های بومی؛
7. تعیین تکلیف مراجع وضع قانون در پرتو قانون اساسی و سلسله‌مراتب مصوبات آن‌ها؛
8. انحصار قانون‌گذاری فقط به مجلس شورای اسلامی و ممنوعیت قانون‌گذاری از سوی سایر مراجع مانند شوراهای عالی؛
9. نگارش طرح‌ها و لوایح و تصویب قوانین بر پایه نظرات کارشناسی مراکز پژوهشی و دانشگاه‌ها، حقوق‌دانان، کارشناسان و متخصصان امر؛
10. توجه و پای‌بندی شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام به خاستگاه اصلی و رویکرد نخستین لوایح و طرح‌ها و اجتناب از تغییر مصوبات؛
11. بهره‌گیری از سازکارهای اجماعی قانون‌گذاری مانند مشارکت دادن گروه‌های مخاطب ذی‌نفع در تدوین پیش‌نویس طرح‌ها و لوایح؛
12. خودداری از استثناء‌گرایی نهادها در وضع قوانین؛
13. عدم مغایرت طرح‌ها و لوایح با اصول قانون اساسی و سازگاری با اصول مسلم حقوقی؛
14. تضمین اصل برابری و منع تبعیض ناروا؛
15. پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای انضباطی، اداری، مدنی، انتظامی، ترمیمی و کیفری مناسب و اثربخش برای نقض حقوق شهروندی.
16. اصلاح قانون فعالیت احزاب و آیین‌نامه‌ی تشکّل‌های مردم‌نهاد و برگزاری تجمّعات فقط با آگاهی وزارت کشور؛



17. توسعه‌ی قانونی حق‌ها و آزادی‌های قانون اساسی و شناسایی فراگیر اصل منع تبعیض ناروا با تکیه بر جوهر انسانی و اصالت ندادن به ویژگی‌های عرضی
18. آموزش حقوق اساسی، فرهنگ حقوق شهروندی و حقوق فرهنگی توسط دولت و نهادهای مدنی برای تقویت آگاهی شهروندان، رویکرد شهروندان به قانون‌گرایی و تحکیم احساس شهروندی مطلوب؛
19. تبلیغ مصادیق حقوق اساسی و شهروندی در همه‌ی عرصه‌های تبلیغات و آموزش حقوق شهروندی از مهد کودک تا دوره‌های تحصیلی دانشگاه؛
20. تصویب قوانین حمایتی مناسب در زمینه‌ی حمایت از افسار آسب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی از جمله قربانیان خشونت، کودکان کار و خیابانی، بی‌خانمان‌ها، سیل‌زدگان، زلزله‌زدگان، فقیران و توان‌خواهان؛
21. طراحی و اجرای نظام جامع و ملی تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور؛
22. اتخاذ رویکردهای همه‌جانبه از جمله اقتصادی و مالی، فنی و اجرایی در فرآیند تدوین طرح‌ها و لوایح؛
23. رعایت دقیق محدودیت اصل 75 قانون اساسی در مورد طرح‌ها و اصلاحات نمایندگان مجلس شورای اسلامی در لوایح؛
24. نظام‌مند کردن وضع قوانین آزمایشی از جمله از حیث موضوع و مدت زمان اجرای آزمایشی قوانین و دائمی شدن قوانین آزمایشی بدون شتاب‌زدگی، با بررسی کامل ابعاد و آثار علمی، فنی و جامعه‌شناختی اجرای قانون و انجام اصلاحات مورد نیاز؛
25. تبیین دقیق قلمروهای تقنین و اجرا؛
26. کسب نظر کارشناسی معاونت‌های حقوقی قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در خصوص طرح‌ها؛
27. اهتمام به کاهش عناوین مجرمانه، کیفرزدایی، قضازدایی و رعایت اصول بزه‌نگاری و کیفردهی کمینه‌ای؛
28. اتخاذ رویکرد سازمند، کارآمد و اثربخش در جرایم نوپدید مانند جرم‌های محیط‌زیستی، اقتصادی، تروریستی و سازمان‌یافته؛



29. افزایش کارایی نظام مالیاتی با تکیه بر شاخص‌های بین‌المللی و جبران ضعف‌های ساختاری به‌ویژه از طریق قانون‌مند شدن، لغو معافیت‌های آشکار و پنهان، ورود به عرصه‌های اعمال تصدی از سوی دولت، توسعه بانک داده دیجیتال و عدم تکیه صرف بر مالیات‌های آسان‌رس؛
30. تدوین و نگارش قوانین به صورت شفاف، ساده، روشن، بدون ابهام و اجمال، منسجم و یکپارچه و کارآ؛ و
31. اتخاذ رویکرد توسعه پایدار در تدوین قوانین به‌ویژه نگهداشت و مدیریت منابع طبیعی و میراث فرهنگی.

2. مقررات‌گذاری

1. تدوین مقررات در چارچوب قوانین و تهیه و تدوین اصول و ضوابط وضع مقررات؛
2. استفاده از ظرفیت اصول 85، 127، 134 و 138 قانون اساسی برای از بین بردن کاستی‌های اجرایی و استواری جایگاه قوانین؛
3. پیروی همه‌سویه مقررات از قانون؛
4. تهیه و تصویب به‌هنگام آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین؛
5. بررسی آثار مقررات پیش از تصویب آن‌ها؛
6. پرهیز از مقررات‌گذاری شتاب‌زده و غیرعلمی؛
7. عدم ایجاد سردرگمی برای ادارات و شهروندان با تغییر مکرر در بخشنامه‌های اداری؛
8. اصلاح مقررات استخدامی و نظام حقوق و دستمزد کشور با توجه به نیازهای روز و حقوق بنیادین شهروندان؛
9. نظارت دقیق بر اجرای قوانین و مقررات استخدامی در تمام نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی با تأکید بر مقابله با استخدام بدون بیمه و استخدام کودکان و اتباع بیگانه؛



10. ایجاد شفافیت، انح صارزدایی و پاسخگو بودن در مورد قراردادهای پیمانکاری دولتی و عمومی و پایبندی پیمانکاران به مقررات استخدامی؛
11. تقویت همکاری میان سازمانی در خصوص مسائل محیط‌زیستی به‌عنوان یک ضرورت اساسی برای مدیریت یکپارچه‌ی محیط‌زیست و تأمین بودجه‌ی پایدار حفاظت از محیط‌زیست از طریق مقررات‌گذاری مؤثر؛
12. ایجاد تعادل رعایت بین متوسط هزینه‌های زندگی شهروندان و حقوق دریافتی مشمولان قانون کار و کارکنان سازمان‌های دولتی و عمومی در هنگام تنظیم لوایح بودجه و مقررات مربوط؛
13. برخوردار نمودن شهروندان از تأمین اجتماعی مؤثر و خدمات درمانی با تدوین لوایح و تنظیم مقررات.

3. تعامل با نظام حقوق بین‌الملل

1. رعایت تعهدات برآمده از معاهدات بین‌المللی در تصویب، تفسیر و اجرای قوانین و مقررات ملی؛
2. تهیه‌ی نقشه‌ی راهبردی جامع کشور در زمینه‌ی نحوه‌ی تعامل با نظامات و موازین مختلف حقوق بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی؛
3. تهیه‌ی برنامه‌های اجرایی برای حضور همه‌جانبه‌ی دولتی، غیردولتی و تخصصی در عرصه‌های حقوقی بین‌المللی اعم از سازمان‌های بین‌المللی، مراجع قضایی و داوری؛
4. ایجاد سازکار و ترتیبات منظم و منسجم در قوای سه‌گانه برای مستندسازی امور حقوقی، قراردادی و اجرایی بین‌المللی و انتشار آن‌ها؛
5. تبیین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در موضوعات مختلف حقوق بین‌الملل؛
6. زمینه‌سازی برای ایجاد و توسعه‌ی نظام‌های حقوقی منطقه‌ای برای مدیریت مسائل منطقه‌ای و سیاست‌گذاری حقوقی منطقه‌ای در زمینه‌هایی مانند مقابله با پول‌شویی، جرم‌های اقتصادی، جرم‌های محیط‌زیستی و جرم‌های تروریستی؛



7. حمایت از حضور و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد ایرانی در عرصه‌ی بین‌المللی.

ب) مدیریت حقوقی

1. ساختار حقوقی و پیرا حقوقی

1. بارینی نظام انتخابات و اداره مجلس شورای اسلامی به هدف افزایش مشارکت مردمی و کارآمدی نهاد قانون گذاری؛
2. بازبینی ترتیبات تشکیل و ترکیب و اداره و فعالیت شورای نگهبان از جمله مستدل نمودن نظرات شورای نگهبان، انتخاب اعضای شورا برای حداکثر دو دوره و ضابطه‌مند کردن شیوه‌ی انتخاب اعضاء با رویکرد تکثرگرایی و تخصّص‌گرایی در انتخاب اعضاء حسب مورد با هماهنگی با مقام رهبری و مجلس شورای اسلامی؛
3. تفکیک راهبری امر اداری از امر قضایی در قوه قضاییه و راهبری شورایی امر قضایی؛
4. تشکیل کارگروه ملی اصلاح سیاست جنایی با رویکرد آینده‌پژوهی؛
5. تفکیک امور ملی از محلی و تقویت نظام عدم‌تمرکز محلی و نهادهای آن و اعطای صلاحیت بیشتر در امور محلی به شوراهای محلی؛
6. توجه ویژه به اقتصاد عدالت کیفری و هزینه‌های تحمیل‌شده بر بودجه‌ی عمومی برآمده از تورّم جمعیت کیفری؛
7. ایجاد سازوکار اجرایی همکاری میان‌سازمانی در خصوص مأموریت‌های مشترک؛
8. ایجاد سازوکار برون‌رفت از وظایف و فعالیت هم‌پوشان دستگاه‌ها و جلوگیری از تداخل وظایف و صلاحیت‌ها با تأکید بر تقسیم کار ملی، ایجاد نظم ساختاری و حفظ بودجه‌ی عمومی کشور؛
9. اهتمام به تخصّصی‌کردن تشکیلات و وظایف ضابطان دادگستری؛
10. تضمین استقلال نهادی، هنجاری و اداری نهادهای صنفی و حرفه‌ای؛ و
11. تبیین سازکار مناسب برای مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی قوه‌ی قضائیه.



2. کنش گران (منابع انسانی) حقوقی و پیرا حقوقی

1. تضمین استقلال نمایندگان مجلس شورای اسلامی و رعایت مصونیت‌های پارلمانی آنان در مقام انجام وظایف نمایندگی بر پایه قانون اساسی؛
2. رعایت حقوق شهروندان و حقوق اقلیت‌ها در پرتو رویکرد شایسته سالاری و مردم سالاری چندفرهنگی؛
3. بهبود قانون‌گزینش و اصول و معیارهای حاکم بر گزینش و به کارگیری نیرو در دستگاه‌های اجرایی با تأکید بر اصل شایسته‌گزینی، برابری فرصت‌ها و بهره‌مندی بیشینه از سرمایه‌های انسانی کشور؛
4. بالابردن سطح آگاهی و دانش حقوقی قضات، مقامات و کارکنان واحدهای قضایی و واحدهای حقوقی دستگاه‌های اجرایی،
5. تخصصی شدن و رتبه‌بندی و کلای دادگستری بر مبنای شاخص‌هایی مانند تحصیلات عالی، سابقه‌ی وکالت و تخصص در حوزه‌ی خاص؛
6. توجه ویژه به مهارت‌آموزی در دوران کارآموزی (وکلاء، قضات و سردفتران) و بازآموزی دائم ضمن فعالیت حرفه‌ای؛
7. آموزش «اخلاق حرفه‌ای کارکنان، کارگزاران و صاحبان حرفه‌های حقوقی»؛ و
8. استفاده از قضات متخصص از جمله متخصصان حقوق عمومی و دانش‌آموختگان این رشته برای ارتقای کارآمدی دیوان عدالت اداری و تقویت رویه‌ی حقوقی عمومی.

3. امکانات و زیرساخت‌های حقوقی

1. فراهم آوردن آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره متوسطه برای عموم مزابق اصل 30 قانون اساسی،
2. فراهم آوردن لوازم آموزش صحیح دانش و فن حقوق در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی همراه با کارآموزی موثر؛
3. آموزش ضمن خدمت قضات، مدیران، کارشناسان و دیگر صاحبان حرف حقوقی؛
4. توسعه بیمه‌ی مسؤولیت مدنی وکیل دادگستری در مرحله‌های دادرسی؛



5. پیش‌بینی چارچوب مناسب در زمینه اجباری شدن وکالت دادگستری در دعاوی؛
6. ایجاد سازگار بیمه هزینه‌های خدمات حقوقی از جمله وکالت دادگستری؛
7. تخصصی کردن دادگاهها و قضات؛
8. ایجاد شعب دیوان عدالت اداری در مراکز استان‌ها برای آسانی دسترسی؛
9. قانون‌مند و توجیه‌پذیر ساختن نظام مالیات‌های غیرمستقیم و به‌طور خاص و قاعده‌مند ساختن مالیات بر ارزش افزوده به‌ویژه در خدمات حقوقی؛ و
10. بالا بردن کیفیت نظارت و بازرسی و کاهش کمیت و تعداد این مراجع.

4. سلامت اداری نظام حقوقی

1. ایجاد التزام نسبت به شفافیت مالی در روابط حقوقی؛
2. پیشگیری از فساد اداری از جمله با اصلاح نظام اداری، ایجاد شفافیت و دسترسی عموم به اطلاعات دولتی (غیر طبقه‌بندی)، حذف انحصارها و امتیازات و ویژه‌خواری؛
3. روز آمد شدن نظام‌های مالی و حسابرسی و آموزش مدیران دولتی
4. قاعده‌مند ساختن و ایجاد رویه‌ی یکپارچه و برابر در ورود به شغل وکالت و حذف امکان برخورداری از این شغل بر پایه پیشینه‌ی فعالیت حقوقی در ادارات و سازمان‌ها و قوه‌ی قضائیه؛
5. ایجاد رویه‌های بدون تبعیض و فرصت رقابت برابر برای دریافت مجوزها از جمله مجوز دفاتر خدمات قضایی؛
6. ارزیابی پایدار کارکرد بهینه و کارآمدی نهادهای حقوقی و قضایی و شناسایی هنجارها و قواعد مخل کارآمدی نهادها و رفع آن؛ و
7. باز سازی و افزایش انسجام و به‌روزرسانی سازکارهای حقوقی مانند نظام ثبت اسناد و املاک.



5. آموزش و پژوهش حقوقی

1. بازبینی و به‌روزرسانی نظام آموزشی رشته‌ی حقوق در دانشگاه‌ها و سامان‌دهی پژوهش‌های حقوقی؛
2. ایجاد ارتباط مؤثر میان دانشگاه‌های ایران و مراکز علمی و معتبر رشته‌ی حقوق در جهان با رویکرد طرح‌های علمی مشترک، کارگاه‌های آموزشی مشترک و تبادل دانشجو؛
3. اصلاح ضوابط نگارش محتوای علمی با رویکرد پیشگیری از تألیف و ترجمه‌ی کتاب به‌نام دیگران، سرقت علمی و رویه‌ی رایج پایان‌نامه‌نویسی و مقاله‌نویسی؛
و
4. ایجاد انگیزه‌ی علمی در استادان و پژوهشگران حقوقی به‌منظور تقویت آموزه‌ها و نظریه‌پردازی حقوقی و بالا بردن جایگاه ایران در تولیدات علمی رشته‌ی حقوق.

پ (پیش‌گیری

1. نهادهای پیشگیری

1. ایجاد نظام همکاری مشترک و کارآمد میان قوه‌ی قضائیه و سایر دستگاه‌های اجرایی به‌منظور پیشگیری از جرم با رویکرد سیاست‌جنایی مشارکتی و فرابخشی؛
2. بومی‌سازی مدیریت پیشگیرانه با توجه به سیمای جرم و تخلف و آسیب‌های اجتماعی در استان‌ها و ظرفیت‌های دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌ها؛
3. تقویت توان اجرایی، برنامه‌ریزی و مدیریت نظام‌مند اقدام‌های پیشگیرانه در دستگاه‌های اجرایی؛
4. تقویت نظارت‌های مردمی از جمله از رهگذر رسانه‌ها، احزاب و سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های عمومی با رویکرد پیشگیرانه؛



5. ایجاد پایداری و نظام پاسخ‌گویی در زمینه پیشگیری از جرم، تخلف و آسیب اجتماعی؛ و

6. ایجاد نظام پیشگیری از تخلف و آسیب‌های اجتماعی در دستگاه‌های اجرایی.

2. تدابیر پیشگیری

1. توجه به پیشگیری‌های کنشی، به‌ویژه پیشگیری‌های اجتماعی و برنامه‌ریزی اقدام‌های مؤثر برای سطح یک (عموم شهروندان) و سطح دو (گروه‌های در معرض آسیب)؛

2. برترانگاری رویکردهای کنشی بر اقدامات واکنشی به‌ویژه نسبت به تخلف‌ها و جرم‌های تخصصی از جمله جرم‌های محیط زیستی (اقلیمی)، بهداشتی، تجاری، مالیاتی، بورسی، بانکی، بیمه‌ای، صنعتی، استاندارد و سایبری؛

3. برنامه‌ریزی پیشگیرانه با رویکرد دانش‌بنیان و با توجه به نیازهای گروه‌های هدف؛

4. برترانگاری واکنش‌های بازپرورانه نسبت به مجرمان؛ و

5. ایجاد سازِکار مشارکت مردمی و همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی حمایت از بزه‌دیدگان.

ت) رسیدگی حقوقی

1. دادرسی عادلانه

1. انتشار منظم آراء و نقد آن؛

2. توجه ویژه‌ی مرجع رسیدگی به مصادیق اختلاف برای تشخیص درست صلاحیت و فرایند دادرسی؛

3. اهتمام در رفع اساسی اختلاف‌ها و صدور رأی قاطع در ماهیت دعوا؛

4. تضمین اصل دسترسی به دادگستری و دادگری و سازِکارهای داوری، میانجی‌گری و عدالت ترمیمی مانند بهره‌گیری از سازِکارهای برخط، از بین بردن تشریفات بیهوده، پیش‌بینی قاعده‌مند هزینه‌ی دادرسی و اجرای آراء؛



5. ایجاد ابزارهای کارآمد و مؤثر برای کاهش زمان دادرسی؛
6. حاکمیت اصول دادرسی عادلانه در همه‌ی قلمروهای رسیدگی؛
7. رعایت کرامت و حیثیت اصحاب دعوا و وکلای آنان در فرایند رسیدگی و اجرای آراء؛
8. بالا بردن سطح پیش‌بینی‌پذیری دعاوی و آراء به‌منظور گرایش به سازش یا کاستن از دعاوی واهی؛
9. حمایت از بزه‌دیدگان، گواهان و آگاهان در فرایند کیفری؛
10. گسترش نقش هیأت منصفه و تقویت جایگاه آن به‌ویژه در جرائم مستوجب مجازات‌های سنگین؛
11. رعایت اصل قانونی بودن در تأسیس تشکیلات و ساختار سازمانی مراجع قضایی و نیز فرایند دادرسی؛
12. اهتمام به تخصصی‌کردن مراجع قضایی و فعالیت ضابطان دادگستری با هدف افزایش سرعت و کیفیت در تعقیب و رسیدگی؛
13. ایجاد سازکار حمایت از محجورین در فرایند دادرسی با همکاری نهادهای مسؤول و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
14. تشکیل پرونده‌ی شخصیت برای متهمان و محکومان و ثبت در سامانه اختصاصی با رعایت حریم افراد و با هدف توجّه مراجع قضایی به ویژگی‌های شخصیتی آنها؛
15. بی‌اثر کردن و نامعتبر دانستن ادله‌ی اثباتی حاصل از شیوه‌های غیرقانونی؛
16. تعیین قلمرو انجام تحقیقات و اقدامات قضایی برای کشف حقیقت در همه‌ی مرحله‌ها
17. تضمین همه‌جانبه امنیت قضایی به‌ویژه در زمینه‌ی اعتبار امر قضاوت شده و کاهش شیوه‌های خاص و استثنائی نقض احکام قطعی؛
18. اتخاذ سیاست قضازدایی در حلّ و فصل اختلافات، از جمله به‌کارگیری میانجی‌گری، داوری و شیوه‌های نظام‌مند حلّ و فصل اختلافات اداری؛



19. تصویب قانون جامع دادرسی اداری برای پیشگیری از پراکندگی و گوناگونی رویه‌ها در مراجع شبه قضایی و اداری؛
20. تضمین استقلال و کلا و نهاد وکالت دادگستری و رعایت حق برخورداری از وکیل دادگستری در دادخواهی و دفاع و همه‌ی مرحله‌ها و انواع دادرسی؛
21. گسترش صلاحیت دیوان عدالت اداری بر همه‌ی نهادها و مقامات حکومتی، عمومی؛
22. شناسایی و تضمین حضور نماینده‌ی دولت و خواهان در هیأت عمومی و هیأت‌های تخصصی دیوان عدالت اداری؛ و
23. تضمین استقلال و مصونیت حرفه‌ای قاضی.

2. اجرای آراء و تصمیم‌ها

1. ارتقاء و سرعت بخشی به روند اجرای آراء و تصمیم‌ها و حذف رویه‌های بیهوده؛
2. ایجاد سازکار مؤثر الزام و تبعیت دستگاه‌های اجرایی از آرای دیوان عدالت اداری؛
3. جلوگیری از تحمیل هزینه و صرف وقت نامتعارف برای شهروندان و بودجه‌ی عمومی کشور جهت اجرای احکام قطعی؛
4. تدوین قانون جامع در زمینه اجرای آرای کیفری؛
5. تعامل کارآمد با مراجع قضایی خارجی؛
6. ایجاد و اعمال نظام مؤثر شناسایی و اجرای آرای مراجع قضایی خارجی؛
7. اجرای اصل منع محاکمه‌ی مجدد و مجازات مضاعف؛

